

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

جهانگیر محبی

۱۱/۰۲/۲۷

حمید دباشی در کنار همزمش اکبر گنجی

اخیراً سایت "اشتراک" مصاحبه ای با آقای حمید دباشی ترتیب داده است .
این مصاحبه در سایت "آزادی بیان" نیز درج شده است؛ که لینک آنها را در پایان مطلب ملاحظه خواهید کرد .
اشتراک در آغاز مصاحبه، حمید دباشی را اینگونه به خوانندگان خود معرفی کرده است . "پروفسور حمید دباشی،
استاد ایرانشناسی و صاحب کرسی ها کوپ کورکیان در دانشگاه کلمبیا است. در دودهه اخیر از او بیش از ۲۰ جلد کتاب
و صد مقاله در زمینه فرهنگ، ایدئولوژی و هنر به چاپ رسیده است. از جمله تألیفات دباشی ".....
هدف از معرفی در این موارد این است که از مصاحبه شونده شناختی به خواننده بدهند.
اما "اشتراک" با معرفی بسیار مختصر از زندگی دباشی، راه را برای شناخت کامل او مسدود کرده است. در حالیکه
خوانندگان این مصاحبه تنها از لابلای زندگی ۶۰ ساله دباشی است؛ که به پیدایش و علل مواضع هم اکنون او پی
خواهند برد .
مصاحبه کننده برای اینکه مصاحبه شونده را هوادار طبقه کارگر معرفی کند، زیرکانه جمله زیر را از میان حرفهای
او انتخاب و آنرا عنوانی می کند برای مصاحبه خود .
"طبقه کارگر ایران را به بی حقوقی مطلق کشانده اند "
این شیوه شخصیت سازی، چیزی جز عوام فریبی نیست. سایت اشتراک نخست بر روی تعارفاتی چون ایران شناس،
صاحب کرسی، خوانندگان جوان و بی تجربه را گمراه می سازد .
من در تکمیل معرفی دباشی باید این را اضافه کنم که او در دوران دانشجویی خود در آمریکا به خاطر ضدیت با
مارکسیسم، خیلی زود به حلقه سرمایه داران راه یافت. وبعد از پالوده خوردنهای سیاسی، به عنوان یکی از مدیران
"پروژه دموکراسی ایران" منصوب شد .
بورژوازی آمریکا برای نفوذ بیشتر در خاورمیانه و برای حفظ منافعش در ایران همواره رویای یک انقلاب مخملی
را در سر داشت .
لذا از دل اعتراضات مردم در سال ۱۳۸۸ حرکتی ارتجاعی به نام "جنبش سبز" به رهبری "میرحسین موسوی"

رأبه كمك حقوق بگيرانش بيرون آورد .

"ميرحسين موسوى" براى تنظيم ارتباطات خود با بورژوازى بين المللى، تعدادى از مشاوران خود از جمله محسن سازگارا، اكبر گنجى، مسعود بهنود، محسن مخملباف و "طنزنويسى" به نام سيدابراهيم نبوى را به خارج از ايران اعزام كرد .

حميد دباشى با ورود اكبرگنجى و محسن سازگارا به امريكا، دفتر مركزى "جنبش سبز" در خارج از كشور را افتتاح كردند .

اين گروه كمكهاى مالى خود را از همان ۵۰ ميليون دلارى كه دولت امريكا براى تحولات رنگى در ايران، در نظر گرفته است؛ تأمين مى كند. اكبرگنجى از اعضاى اين گروه دريك شعبده بازي امپرياليستى، مبلغ نيم ميليون دلار به عنوان جايزه دريافت كرد. اين گروه وظيفه دارد تا انقلاب آزيخواهانه و عدالتجويانه مردم ايران را با رنگ سبزه انحراف و در نهايت به شكست بكشاند .

اين باند دغلكار و مردم فريب، در عمل به رژيمى خدمت ميكنند كه مدعى مبارزه با آنند .

درواقع اين سه تن، نمايندگان سياسى بورژوازى ايران در خارج از كشور هستند .

همان بورژوازى كه دركشتار و سركوب و حشيانه زحمتكشان و كارگران و براى برقرارى نظم سيستم سرمايه دارى جهانى؛ دمي آرام نمى نشينند .

حال بر مى گرديم و نگاه ميكنيم به سخنان دباشى در اين مصاحبه. حميد دباشى مى گويد:

"طبقه كارگرايران رابه بى حقوقى مطلق كشانده اند :

پرسش اينست كه چه كسى طبقه كارگرايران را به بى حقوقى مطلق كشانده است؟ مگر غير از اينست كه باند ميرحسين موسوى از همان فرداى انقلاب ۵۷ و با موافقت خمينى، همه روزه كارگران و فعالان كارگرى را روانه شكنجه گاهها و از آنجا به پاى چوبه هاى داربرند .

حميد دباشى به خوبى مى داند كه اعدام هزاران آزيخواه دقيقاً در زمان نخست وزيرى ميرحسين موسوى صورت گرفت و بعدها باند رفسنجانى و خامنه اى ادامه دهندگان آن بودند و هستند .

تأسيس نهادهاى ضد كارگرى اساساً بر طبق رهنمودهاى ميرحسين موسوى و مشاورانش انجام شد . همه آنانى كه كمى با مسائل كارگرى آشنائى دارند، ميدانند كه بورژوازى ايران بدون داشتن كارشناسانى چون حميد دباشى هرگز قادر به نفوذ در سنديكاهاى مستقل كارگرى و به انحراف كشاندن آنها نبود .

دباشى درجائى ديگرى از مصاحبه مى گويد :

"من براى جنبش آزيخواهانه مردم ايران، كه بچه هاى ما، در ايران تصميم گرفته اند جنبش سبز بخوانند، قائل به يك بعد تاريخى و يك بعد اجتماعى هستم "

حال ببينيم جنبش سبزي كه دباشى از آن نام مى برد چيست؟

بيانيه ۱۲ فبرورى ۲۰۱۱ جبهه مشاركت يكي از تشكلهائى اسلامى وابسته با باند ميرحسين موسوى مى گويد:

"جنبش سبزه دنبال سقوط نظام نيست "

بنابر اين و بر طبق معرفى بالا از جنبش سبز، دباشى به اين استنتاج رسيده است كه جنبش سبز "بچه هاى ايران" جنبشى است مسالمت آميز كه به دنبال سقوط نظام اسلامى نيست .

به راستى اگر چنين است كه دباشى ميگويد، پس چرا ميرحسين موسوى در چندين بيانيه، جوانان را به خويشتندارى و پرهيز از خشونت و شعارهاى ساختارشكنانه، دعوت كرد .

در اینجا بی مناسبت نیست که به تعدادی از شعارهای جوانان ایران که حمید دباشی برای "جنبش سبز" شان قائل به بعد تاریخی و اجتماعی است؛ توجه کنیم .

مرگ بردیکتاتور مرگ براستبداد مرگ برخامنه ای مرگ براصل ولایت فقیه
خامنه ای بدونه / بزودی سرنگونه خامنه ای حیاکن / مبارک را نیگاکن
خامنه ای قاتله / ولایتش باطله می مانیم- می میریم- پرچم رو پس میگیریم
هم قیام خیابونی / هم اعتصاب کارگری زندانی سیاسی آزاد باید گردد
حکومت اسلامی نابود باید گردد

حمید دباشی در جای دیگری از مصاحبه می گوید :

"به نظر من جنبش اعتراضی مردم ایران به نسبت جنبشهای اعتراضی شمال آفریقا بنیه انقلابی نداشت " برتولت برشت می گوید: آنکس که حقیقت را نمی داند بی شعور است. اما آنکس که حقیقت را می داند اما آنرا پنهان میکند، تبهکار است .

به نظر می آید پروفیسور حمید دباشی حقیقت را می داند اما آنرا پشت دلارهای امریکائی پنهان کرده است . و آن حقیقت پنهان شده اینست که جنبش اعتراضی مردم ایران چه در سال ۱۳۸۸ و چه در سال ۱۳۸۹ همواره بنیه انقلابی داشت این بنیه انقلابی به خصوص در ۶ [جدی]دی ماه ۸۸ معروف به روز عاشورا به قدری زیاد و پُر قدرت بود که دولتهای سرمایه داری را به وحشت انداخت .

در اینجا بود که دولتهای سرمایه داری برای متوقف کردن روند انقلاب مردم ایران، کارشناسان خود از جمله حمید دباشی را وارد میدان کردند، و دیدیم که میرحسن موسوی طی بیانیه ای از مردم خواست؛ خیابانها را ترک کنند و به خانه های خود رفته و بر بالای بامها شعار ارتجاعی الله اکبر سر دهند تا "انشاءالله" وضع بهبود یابد . متأسفانه شعار هم قیام خیابونی – هم اعتصاب کارگری، تنها قسمت اول آن به مرحله اجراء درآمد .

یقیناً اگر سندیکاهاى مستقل کارگری از گزند رفورمیستها و باند میرحسین موسوی در امان می بودند، این توانائی را می داشتند که به صورت سازمان یافته دست به اعتصابات سراسری زده و همراه با قیام خیابانی، کار این رژیم ضد بشری را یک سره کنند. اما چنین نشد و سرنوشت مردم به گونه دیگری رقم خورد. باز هم دستگیری، باز هم شکنجه، باز هم اعدام .

در خاتمه :

راستش من از موضع گیریهای قلم به مُزدانی چون حمید دباشی متعجب نیستم . اما درحیرتم که چرا سایت "اشتراک" که خود را هوادار کارگران معرفی کرده است اقدام به چنین مصاحبه ای نموده؟ مگر برطرف کردن مشکلات مالی رسانه ها از راههای شرفتمندانه امکان پذیر نیست؟

آیا این نوع مصاحبه ها و درج آن در سایتهای کارگری، به جنبش آزادیخواهانه و عدالتجویانه زحمتکشان و کارگران آسیب نمی رساند؟

با نقل کلامی از یک رفیق مطلب را به پایان می برم :

"من براین باور نیستم که با توضیح واقعیتهای و حقایق تاریخی می توان از شدت کینه و دشمنی میرحسین موسوی و همفکرانش به سوسیالیسم کاست؛ زیرا کینه و دشمنی آنان با سوسیالیسم، ماهیت طبقاتی دارد. این گروه شبکورهائی هستند که آفتاب حقیقت، کمکی به قوه بصیرتشان نمی کند."

جهانگیر محبی

۲۲ فیوروری ۲۰۱۱

مصاحبه سایت اشتراک با حمید دباشی

<http://www.eshtarak.info/m/2011/02/post-50.html>

مصاحبه ی سایت اشتراک با حمید دباشی

http://www.azadi-b.com/J/2011/02/post_2.html

حمید دباشی براین باور است که جنبش اعتراضی مردم ایران بنیهٔ انقلابی ندارد. فیلم های زیرپاسخی ست به ادعای دروغین او .

http://www.youtube.com/watch?v=PH6xa2XGU_8&NR=1

<http://www.youtube.com/watch?v=HyjMog8bVXI&NR=1>

<http://www.youtube.com/watch?v=gkRzT6-3plo&NR=1>

http://www.youtube.com/watch?v=PfhPBen5f28&feature=player_embedded#at=26